

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political Satire

ط ————— نثر سیاسی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن – المان
۲۰ مارچ ۲۰۱۱

هدیه نوروزی به دوستم و ربانی

دیریست که جنایتمداران افغان را ننواخته و طنزیه های مطولی نسروده بودم. اینک در
بُحبوحه حلول نوروز ۱۳۹۰ این کار را میکنم. اوراق قصائد گذشته را کُشوده و دو
قصیده گزنده را بیرون آورده و آویزه گوش دو جنایتکار مشهور مینمایم.
در قصیده اول با تقدیم مجدد طنزیه "استاد جنایتکار"، پروفیسر "بحران الدین ربانی" را
و در قصیده دوم که معنون است به "خطر ملی"، "رشید دوستم گلم جم" – "خالد ولید" –
صبغت الله مجددی، "پروفیسر استخاره" – را فلقه کاری میکنم.

تحفه اول :

به بحران الدین ربانی

"استاد جنایتکار"

ای ظالم بد کردار ، بشنو به تو میگویم

استاد جنایتکار ، بشنو به تو میگویم

گویند ، پروفیسر ، گردیدی ز الازهر

در جمع کَدَن دینار ، بشنو به تو میگویم

ای رهبرِ تنظیمی ، در فکرِ زر و سیمی
 خورجینِ تو دایم غار ، بشنو به تو میگویم
 چون بادپکه برقی ، هم غربی و هم شرقی
 روباه صفتِ غدار ، بشنو به تو میگویم
 چار ماهه ریاست را ، شش سال کشانیدی
 ای خوجنِ چوتار ، بشنو به تو میگویم
 با باندِ تروریستی ، همکاری و همدستی
 قاجاق ، تَن و خروار ، بشنو به تو میگویم
 عالم ، همه آگاهند ، از رازِ پس پرده
 گه تگ شوی، گه تگمار ، بشنو به تو میگویم
 دستکولِ پر از دالر ، جاسازی شده لک ها
 شاید که به چندین بار ، بشنو به تو میگویم
 دارائیِ میهن را ، ای بُرده به کانادا
 مادر ز تو شد بیزار ، بشنو به تو میگویم
 شرم است دگر بس کن ننگ از سر خود پس کن
 ای نوکرِ با چلتار ، بشنو به تو میگویم
 کاشانه تو مسجد ، دکانِ تو قبرستان
 دلاکِ سرِ بازار ، بشنو به تو میگویم
 چون ماشِ همی لولی ، گه توپ و گهی گولی
 لعنت به تو ای مکار ، بشنو به تو میگویم
 ای خود خر و خود بفروش کالای نوی میپوش
 پالانِ خر ، از خرکار ، بشنو به تو میگویم
 کاندیدیِ جمهوری ، ننگ است ، برای تو
 یک بار کدیِ مردار ، بشنو به تو میگویم
 افسوس که وقت تنگست ، پای خرکم لنگست
 ورنه شدی لنگِ وردار ، بشنو به تو میگویم
 «نعمت» اگر از چوکات خارج شده می بخشی
 ای لاشه خورِ کفتار ، بشنو به تو میگویم

تحفه دوم به دوستم گلم جم

"خطر ملی"

دوستان ! ترک همه فتنه و شر باید کرد
همتی ، تاشب تاریک سحر باید کرد
دزد و قاچاقبر و ، قاتل و ، قطاع الطريق
به همه توپ و تفنگدار ، نظر باید کرد
زور و زر ، دست همه خائن و غدار و پلید
(دویی) و (لندن) و (پاریس) ، سفر باید کرد
ملک ما ، پُرز یتیمان شده و بیوه زنان
شکوه هائی ز قضا و ، ز قدر باید کرد
هموطن دربدر و ، مام وطن ویرانه
چاره اصلی ، ز یک راه دگر باید کرد
ریخته از در و دیوار ، (ملیشای جنون)
(دوستم) گفت ! همه ، شوق پسر باید کرد
آنچه او کرده ، قلم عاجز و قاصر ، ز رقم
ورنه بشنو چی عمل ، بی کرو فر باید کرد
(دوستم) زانی و ، جانی و ، لواطتگرو ، دزد
بسته او را ، ز عقب بر سر خر باید کرد
لیکن اول ز همه ، خلع سلاحش باید
بعد باتیغ دودم ، قطع ذکر باید کرد
زنگ ، در پای وی و ، جامنی هم ، در بر او
(دُرّی لوگری) را ، نیز خبر باید کرد
قرسک و دایره و دمبوره و نی ، غیچک و چنگ
دهل و سُرنّا زده ، اعلان ظفر باید کرد
باخرو ، یابوو ، با اسپ ، قرینش کردن
شاخ گاومیش ، فرو تابه کمر باید کرد
یا که با (خرم) و با (اتمر) و (مسعود) و (فهیم)
طُعمه شهوتِ صد قاطر نر باید کرد

بعد بردار آویزان ، ز فلانش کردن
 ختنه از بیخ ، به یک ضرب تیر باید کرد
 حلقه ختنه او ، گردن (قانونی) را
 لاکت دانه نشان ، بسته ز زر باید کرد
 تخم هایش ، به در آورده ، به دیگ (شورا)
 پخته ، بر (جبهه ملی) خطر باید کرد
 ز رئیسان و ، وزیران و ، وکیلان و سنا
 با کرم خشتک خشک همه ، تر باید کرد
 لیک بر (صبغت) و (ربانی) و ، بر (گلب الدین)
 کفل گنده او را ، چو سپر باید کرد
 ریش و پشمش همه بر حضرت و بر حضرتها
 لنگی و چادر و رومال ، به سر باید کرد
 لگن خصره اش ، هدیه به (طالب) باید
 تاج نفرت ، سر (ملای عمر) باید کرد
 بخدا ، (تیمور) خونخوار ، نکردست چو او
 شرم زین فاجعه ، تاریخ بشر باید کرد
 شاید از طائفه (هیتلر) و (چنگیز) بود
 خون او تجزیه با خون پدر باید کرد
 یا که از نسل همان ، (انتر و منتر) باشد
 (نخل پیوندی) ، چنین برگ و ثمر باید کرد
 چه کنم عفت و حرمت نگذارد ، ز کلام
 ورنه باشعر ، جهان زیر و زبر باید کرد
 «نعمت» اینگونه که بی پرده و ، آزاد نوشت
 وقت آنست ، ز هر پرده حذر باید کرد